

جایگاه جلوخان در معماری مسکونی بومی ایران

حسین مهدوی پور* / رشید جعفری** / پوراندخت سعادتى**

1390/12/14

تاریخ دریافت مقاله:

1392/01/21

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

با درنگ در بازه گسترده‌ای از آثار معماری مسکونی شهری و روستایی ایران که طی سال‌های متمادی تا پیش از دوران معاصر در کشور ما شکل گرفته‌اند و تأمل بر الگوهای مختلف خانه‌ها، می‌توان عناصری را به‌عنوان اجزای اصلی و ساختاری بازشناخت. به نظر می‌رسد با آنکه این معماری در طی سالیان متمادی دستخوش تغییرات گردیده و تکامل یافته است، در اکثر مناطق اجزای اصلی خود را در گذر زمان حفظ نموده است، عناصر ساختاری یکسانی از قبیل حیاط، ایوان، مهتابی، هشتی، دالان و صفه، که هر یک نقش‌های متعددی بر عهده دارند. جنبه‌ای از این نقش‌ها به ارتباط و تعامل با دیگر اجزا بر می‌گردد و برخی دیگر به کارکرد خود عنصر ارتباط دارند. یکی از این عناصر که در بسیاری از بناهای مسکونی (و یا غیر مسکونی) در بافت‌های شهری و روستایی مشاهده می‌شود، «جلوخان» می‌باشد. در خانه‌ها (و نیز در دیگر بناها نظیر مسجد، خانه، کاروانسرا و حتی بازار)، این عنصر معماری نقش‌های متنوعی در زمینه‌های رفتاری، روابط اجتماعی، تبیین حریم، تعریف ارتباط بین درون و برون و همچنین احترام به نقش و جایگاه مخاطب بر عهده دارد. متأسفانه امروزه در خانه‌ها و دیگر بناهای جدید حضور این عنصر تأثیرگذار معماری بومی، حذف و یا کم‌رنگ گردیده است و یا در برخی مکان‌ها که به گونه‌ای شاهد ساخت آن هستیم به علت اشکال در شکل و یا محتوا نتوانسته است نقشی درخور ایفا نماید. این جستار درصدد است با معرفی و شناسایی این عنصر در معماری مسکن بومی ایران، جایگاه آن در بافت کالبدی و نقش آن در رفتار و روابط اجتماعی را مورد بررسی قرار دهد. در این راستا ضمن تعمق در منابع مکتوب، با قیاس و تحلیل مصادیق موجود و برداشت مفاهیم و معانی از دل آن‌ها، تلاش شده است اشکال، کارکردها و اثرات کیفی این عنصر معماری بر محیط مطالعه گردیده و از این طریق نقش آن مورد بازشناسی قرار گیرد. در این نوشتار جلوخان‌ها بر اساس وسعت که خود به نوعی تعیین کننده میزان ایفای نقش آنان در ارتباطات اجتماعی است به سه دسته تقسیم شده و اجزا و ویژگی‌های هر دسته تبیین گردیده‌اند. در ادامه رسالت جلوخان در خانه‌ها و جایگاه آن در بافت‌های مسکونی شهری و روستایی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این رسالت در زمینه‌هایی مانند تعریف رابطه درون و برون و تبیین حریم، نقش در سلسله مراتب و ترتیب و تدرج در دسترسی و دعوت‌کنندگی، زمینه سازی برای درک بهتر بنا و همچنین فراهم نمودن بستری برای تعاملات اجتماعی می‌باشد.

واژگان کلیدی: مسکن بومی، جلوخان، روابط اجتماعی، حریم.

* استادیار دانشکده معماری دانشگاه یزد. hmahdavi@yazd.ac.ir

** مدرس دانشگاه آزاد خوراسگان، اصفهان.

مقدمه

مسکن در معماری سنتی ایران، از اجزا و عناصر خاصی تشکیل گردیده است که هرکدام از این عناصر ضمن ارتباط با دیگر اجزا وظیفه‌ای مهم نیز بر عهده دارند. یکی از عناصری که مورد توجه این مقاله است و در خانه‌های مختلف و در مکان‌های گوناگون در شکل و قالب‌های متنوع مشاهده می‌گردد، «جلوخان» می‌باشد. هرچند برخی از محققان جلوخان را با ورودی و یا «پیش تاق» مترادف می‌دانند، ولی با توجه به اینکه رسالت و نقش متمایزی در ارتباط با درون و بیرون بر عهده دارد، بهتر است با دقت مورد مطالعه قرار گیرد. این نقش چه در خانه‌هایی که متعلق به معماری بومی می‌باشند و سازندگانشان ادعایی بر شکوفایی و درخشش هنری آن‌ها ندارند و چه در خانه‌هایی که بر اساس اندیشه‌هایی از پیش بررسی شده برپا شده‌اند، دیده می‌شود.

در این مقاله به جایگاه و نقش جلوخان در معماری مسکونی ایران پرداخته شده است؛ در این راستا ضمن تعمق در منابع مکتوب، نمونه‌هایی جلوخان‌ها در خانه‌های ایرانی بررسی گردیده‌اند. با قیاس نمونه‌ها و تحلیل نتایج بررسی آن‌ها، جلوخان‌ها در سه گروه دسته‌بندی شده‌اند. در این جستار ابتدا به تعریف معنای جلوخان پرداخته شده است. در ادامه ضمن تبیین اجزای مختلف جلوخان، به رسالت آن در معماری مسکونی ایران در زمینه‌هایی مانند تعیین حریم، تعریف سلسله مراتب دسترسی، دعوت‌کنندگی و بسترسازی جهت تعاملات اجتماعی اشاره شده است. لازم به ذکر است هرچند جلوخان را می‌توان از وجوه گوناگون دیگری مانند اقلیم نیز بررسی نمود؛ لکن هدف مقاله نمی‌باشد.

پرسش‌های تحقیق

1. جلوخان چیست و در معماری مسکونی ایران چه رسالتی بر آن مترتب است؟

2. نقش جلوخان در سلسله مراتب ورود به بنا چه می‌باشد؟

3. رسالت جلوخان در تدوین رابطه درون و بیرون و تعریف حریم بنا در معماری مسکونی ایران چیست؟

تعریف مسئله

«بررسی فضاهای ساخته شده متعلق به گذشته دور و یا نزدیک در معماری شهرها و روستاهای ایران نشان می‌دهد عبور از یک فضای همگانی (چه گذر و چه میدان) به صورتی بلا فصل و بی واسطه تحقق نمی‌یافته و همواره فضایی به سان یک مفصل، فضای همگانی را از فضای اندرون جدا کرده و حایل میان این دو بوده است.» (فلامکی، 1385: 600) در حالی که متأسفانه معماری معاصر ایران عموماً با ارتباط بی واسطه درون و بیرون، به این مبانی معماری بومی بی‌اعتنایی نموده و یا دست کم بهره لازم را نگرفته است. در آیین نامه‌های فضاهای شهری و معماری نامی از جلوخان مشاهده نمی‌گردد؛ در ضوابط ساخت و ساز شهری و در طرح‌های هادی و تفصیلی شهرها و روستاها، کوچک‌ترین اشاره‌ای به نقش جلوخان‌ها در فضاهای شهری و گذرها و خانه‌ها نشده است؛ به نظر می‌رسد این مفهوم از ادبیات معماری و شهرسازی ما در حال رخت برستن است. ورودی خانه‌ها با اتصال بلا فصل با گذر دیگر امکان گفتگوی بی‌تکلف را به همسایگان نمی‌دهد، دیگر نمی‌توان پیش از ورود به خانه‌ها قدری در بیرون آن‌ها تأمل نمود و مفصل‌های ارتباطی بین درون بنا و عرصه عمومی دیگر چون گذشته به ایفای نقش نمی‌پردازند. این بی‌توجهی‌ها در بناهای بزرگ، نمود بارزتری می‌یابد؛ در آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی، این عنصر کارآمد معماری حذف گردیده است و در پی ارتباط بلافصل و بدون مفصل بنا با محیط شهری مرز بین اندرون و بیرون به جای فضایی تعریف شده، کارا و پویا، محدود به یک درب گردیده و

اختلافات قومی و محیطی از یک روح مشترک برخوردارند که باعث گردیده است همگی آن‌ها جزئی از آثار فرهنگی و بومی تلقی گردند. «معماری بومی یعنی مجموعه واحدهای معماری-شهری که در سرزمینی معین گرد هم آمده‌اند و با هماهنگی‌هایی که در زمینه‌های شکل، حجم‌گذاری، کاربردی، رنگ آمیزی و آهنگ سطوح پر و خالی و همچنین در زمینه مصالح و نظام‌های ساختمانی در آن‌ها پدیدار است، رازی اصلی و اساسی را در بر دارد: هماهنگی مبتنی بر تفاوت، تشخیص مبتنی بر ضابطه‌ها و رسوم و سلیقه‌های زاده از فرهنگ محیطی، یگانگی زاده از احترام متقابل و برخوردار از رفتارهای محیطی مبتنی بر آزادی‌های مشروط از قراردادهای اجتماعی ضمنی - قراردادهای نانوشته ولی زنده» (فلامکی، ۱۷، ۱۳۸۴) و می‌توان ادعا کرد «معماری بومی مالا مال از زیبایی‌های فروتن و ناشناس است» (آدریانو، ۳۶، ۱۳۸۴) معماری محلی در مقابل فرهنگ وارداتی قرار می‌گیرد و از یک فرهنگ مشخص سخن می‌گوید؛ فرهنگی که به دست مردم همان جا شکل گرفته، رشد کرده و در رویدادهای سخت نیز تحت تأثیر قرار گرفته؛ لکن مجدداً به وسیله همان مردم با فرهنگ بومی سازگاری یافته است (معماریان، ۱۸۲، ۱۳۸۴). در معماری بومی ایران با وجود تفاوت‌ها، اصول و ویژگی‌های مشترکی مشاهده می‌شود که مردم و هنرمندان در طول دوره‌های مختلف زمانی و مکان‌های گوناگون جغرافیایی با الهام از ویژگی‌های فرهنگی، سنتی و ارزش‌های پایای حاکم، در خلق آن به کار بسته‌اند. الهام از این دستورها و آداب می‌تواند موجب وحدت در معماری این مرز و بوم گردد.

بافت‌های بومی شهری و روستایی ایران در راستای پاسخگویی به نیازهای مختلف و متنوع بهره‌برداران، گونه‌های مختلفی از بناها با عملکردهای متنوع را شامل

بدین ترتیب ارتباط ساختمان با فضاهای شهری دچار معضلات متعددی گردیده است. «این بی‌توجهی‌ها ناشی از سهل‌انگاری معماری معاصر ایران، عدم تحلیل و شناخت فضاهای معماری سنتی و به کار بردن بی‌قید و بند مدل‌های غربی است.» (فلامکی، ۱۳۸۵، ۶۰۰) اینجاست که می‌توان بیان داشت به جای بریدن از گذشته، تداوم گفتگو با آن می‌تواند راه‌گشا باشد (آدریانو، ۱۳۸۴، ۳۷).

در ابتدای امر تصور بر این است که اطلاعات کافی در خصوص این گونه فضاها که در معماری بومی ما نقش به‌سزایی ایفا می‌نمودند، وجود دارد، لکن متأسفانه حق مطلب به خوبی ادا نگردیده و نیازمند تعمق بیشتری است. نیاز به شناخت همه جانبه فضایی مانند جلوخان که در معماری سنتی ایرانی دارای رسالت‌های گوناگونی است و مقامی درخور دارد، از ضروریات می‌باشد. در پی آن این امیدواری در دل زنده می‌شود تا بتوان با طراحی مناسب فضاهای ارتباطی مفصل‌ها خصوصاً در مرز خانه با حریم بیرون، پاسخگوی نیازهای استفاده‌کنندگان در این عرصه باشیم. «مروزه ما به سوی از دست دادن قابلیت‌های خویشتن شناسی گام برمی‌داریم؛ در حالی که اگر با دقت به صحنه جوامع روستایی بنگریم و ببینیم چگونه هویت و خصایص بارز قومی خود را بیش از دیگران حفظ کرده‌اند، می‌توانیم بدون تقلید و چشم بسته سرمشق‌های اساسی در زمینه اسلوب و روش برای افزایش کیفیت زندگی خویش کسب کنیم» (آدریانو، ۱۳۸۴، ۴۹).

معماری بومی

معماری بومی از مجموعه‌ای از آثار و افتخارات مردم و هنرمندان طی دوره‌ای طولانی شکل گرفته است. آثاری که در سرتاسر کشورمان از مشرق تا مغرب در قالب بافت‌های روستایی و شهری پراکنده‌اند. این آثار با وجود

می‌شوند. بناهایی همچون مسجد، خانه، کاروانسرا، بازار، کاخ، حمام و... با وجود تمایزهای عملکردی، همچنان وجوه مشترکی در میان آن‌ها مشاهده می‌شود که گونه‌ای از وحدت را موجب شده است. این وجوه مشترک که بر اساس فرهنگ و بوم و سنت هر قوم و قبیله‌ای می‌باشد، چیزی نیست جز نگاه هنرمند به مقام انسان کامل و رابطه او با خداوند و هموعانش¹.

تمامی بناهای این مرز و بوم از حرمتی متناسب با رسالت، مقام و عملکرد خود برخوردار می‌باشند؛ جهت تقدیس حرمت، حریم تعریف می‌شود و محرم از نامحرم جدا می‌گردد؛ لذا می‌توان گفت یکی از ویژگی‌های معماری ایرانی در سده‌های گذشته تعریف متناسب رابطه درون و برون و به عبارتی تعیین حریم است. رابطه‌ای که در معماری ایرانی بسیار عمیق و ظریف است. در این جستار با تأکید بر بخشی که رسالت آن تبیین این ارتباط است، ابعاد و وجوه مختلف این اصل مهم در معماری مسکونی روستایی و شهری ایران واکاوی، بازشناسی و مورد تأکید قرار گرفته است.

شناخت جلوخان

«جلوخان» واژه‌ای است که از ترکیب دو کلمه «جلو» به معنای «پیش، پیش رو، روبه‌رو» (عمید، 1342، 378) و کلمه «خان» تشکیل شده است. خان در ادبیات به معنای «خانه، سرا، کاروانسرا» (عمید، ۱۳۴۲، ۴۳۸) به کار رفته است؛ مانند هفت خان رستم، خان گاه، خانمان. با این تعریف جلوخان به معنای جلو منزل، مرحله قبل از ورود به منزل، مرحله مقدماتی منزل و یا آمادگی جهت ورود به منزل می‌باشد. در لغتنامه معین نیز جلوخان به «پیشگاه خانه، میدانی که در جلو عمارت و منزل واقع باشد» معنی شده است (معین، 1238، 1360). بنابراین جلوخان (پیش خان) به عنوان یک فضای واسطه در مرز بین حریم درون و بیرون، عبارتست از فضایی ارتباطی در

جلوی در ورودی برخی بناها که عموماً از چند طرف محصور می‌باشد. این فضا به عنوان قسمتی از ورودی و اولین مرحله از سلسله مراتب ورود به بنا، ضمن تعریف حریم بنا، فضایی برای ورود، مکث، تجمع، حرکت و درک بهتر ساختمان را مهیا می‌نماید؛ لذا می‌توان گفت جلوخان به میدانگاه جلو بنا و محوطه باز قرار گرفته در آستانه ورودی خانه، مسجد، کاروانسرا، حمام و... اطلاق می‌گردد (ت1).



ت1. جلوخان خانه‌ای در روستای فهی.

مأخذ: نگارنده، 1390.

در راستای شناخت بهتر این عنصر در معماری مسکونی بومی ایران، می‌توان جلوخان‌ها را بر اساس شکل، وسعت و همچنین میزان ایفای نقش در زمینه ارتباطات اجتماعی، طبقه بندی نمود. بر اساس تحلیل و تعمق در خانه‌های مورد مشاهده و مطالعه، جلوخان‌ها به سه دسته کلی تقسیم می‌گردند. شایان ذکر است که به دلیل کثرت نمونه‌های بررسی شده، در این نوشتار امکان معرفی همه آن‌ها نمی‌باشد و تنها به ارایه برخی موارد شاخص اکتفا می‌گردد.

گروه اول که ساده‌ترین شکل جلوخان می‌باشد، در بدنه بیرونی عده زیادی از خانه‌های روستایی و شهری مشاهده می‌شود. این جلوخان‌ها ضمن اهمیت بخشیدن

در دسته دوم، جلوخان به شکل یک فضای تعریف شده در جلوی ورودی مطرح می‌گردد و به عنوان مرحله مقدماتی ورود (و یا آخرین مرحله خروج) مرز بین درون و برون را به خود اختصاص می‌دهد. در این دسته، جلوخان در قالب فضایی وسیع‌تر از آنچه در دسته اول دیده شد، به ایفای نقش بین بنا و گذر می‌پردازد، نقش شاخص‌تری می‌یابد و عرصه گسترده‌تری را به خود اختصاص می‌دهد. این دسته جلوخان‌ها از لحاظ جزئیات و تزیینات غنی‌تر و بارزتر از دسته اول بوده و دارای سر در رفیع‌تر و گاه پیر نشین گسترده‌تری می‌باشند؛ لکن از عمومیت آن در خانه‌ها به نسبت دسته اول کاسته می‌شود. درب، سر در که گاه با آجرکاری، مقرنس و یا کاربرندی تزیین گردیده است، تاق نما و پیرنشین از اجزای این دسته هستند. این دسته از جلوخان‌ها عموماً در خانه‌های شاخص و متعلق به افراد خاص و متمول شهر یا روستا مشاهده می‌گردند. علاوه بر مسکن‌های خاص، در ورودی بناهای عمومی مانند مساجد، مدارس، بازارها و حمام‌ها به ایفای نقش می‌پردازند.



ت 4. جلوخان خانه‌ای در روستای قهی.
مأخذ: نگارنده، 1390

در نوع سوم، جلوخان به شکل فضایی وسیع و گاه میدانی کوچک در جلوی در ورودی بنا به ایفای نقش

به فضای ورودی با عقب نشینی مختصر نسبت به معبر، دسترسی به درون بنا را از گذر متمایز می‌نمایند. گاهی به آن پیش تاق نیز گفته می‌شود (سلطان زاده، ۱۳۹۰، ۷۰). این دسته از جلوخان‌ها که فضای کوچک‌تری را نسبت به دیگر انواع به خود اختصاص می‌دهند، دارای تنوع زیادی در جزئیات، تزیینات و نگاره‌ها می‌باشند. اجزای تشکیل دهنده آن عبارتند از پیش تاق، سر در، درب ورودی و عموماً پیر نشین (ت 2 و 3). لازم به ذکر است عموم محققین این دسته را جزو جلوخان‌ها به‌شمار نمی‌آورند و جلوخان را صرفاً در جلو بناهای بزرگ به رسمیت می‌شناسند؛ لکن با توجه به رسالتی که بر آن مترتب است به گونه‌ای اولین و ساده‌ترین دسته جلوخان‌ها می‌باشند.



ت 2. جلوخان خانه‌ای در قمصر.
مأخذ: نگارنده، 1390



ت 3. جلوخان خانه‌ای در محله جلفای اصفهان.
مأخذ: نگارنده، 1390

رفتارهای متعدد استفاده‌کنندگان از آن در این عرصه می‌باشد. جلوخان خانه عطاالملک دهش در اصفهان نیز در این دسته جای دارد. جلوخان نیم دایره خانه دهش با دیوار آجری و تاقچه‌های خود، حلقه ارتباطی بین خانه و بافت پیرامون آن را به زیبایی فراهم آورده است (ت6).



ت 5. جلوخان خانه حاج علی آقا در رفسنجان.
مأخذ: نگارنده، 1390



ت 6. جلوخان خانه دهش (عطاالملک) در اصفهان.
مأخذ: نگارنده، 1390

علاوه بر خانه‌های یاد شده، این نوع از جلوخان در بناهای عمومی بزرگ و اصلی شهر یا روستا مانند مساجد جامع نیز مشاهده می‌شود که گاه شامل آب‌نما و یا

می‌پردازد. عموماً در این دسته، جلوخان به صورت یک مفصل قوی و شاخص، حلقه ارتباطی بین ورودی بنا با گذر و فضاهای مجاور می‌باشد و بستر لازم را برای این ارتباط فراهم می‌نماید. در این دسته جلوخان به صورتی وسیع‌تر از دو دسته دیگر مطرح می‌باشد؛ سر در و پیش‌تاق، رفیع‌تر است. تزیینات و جزئیات آن کامل‌تر و وسیع‌تر می‌باشد و با ظرافت بیشتری کار شده است². پیرنشین‌ها عموماً گسترده‌تر و گاه دارای اشکالی متنوع و متفاوت نسبت به دو دسته دیگر می‌باشند. با توجه به ویژگی‌های آن نسبت به دو دسته دیگر از نظر تعداد کمتر است؛ لکن عرصه وسیع‌تر و نقش بارزتری را به خود اختصاص می‌دهد. اجزای تشکیل دهنده این نوع از جلوخان که در خانه‌های شاخص، مهم و اعیانی شهر و روستا مشاهده می‌شوند، عبارتند از درب ورودی، سر در، پیش‌تاق، پیرنشین و قسمتی نسبتاً گسترده از عرصه کف در جلوی ورودی.

یکی از مصادیق بارز این دسته، جلوخان خانه حاج علی آقا در شهر رفسنجان می‌باشد. این خانه که به بزرگ‌ترین خانه خشتی جهان معروف است متعلق به یکی از تجار سرشناس زمان قاجار به همین نام بوده است. جلوخان وسیع این خانه عرصه گسترده‌ای را در فضای مابین گذر و خانه به خود اختصاص داده و به عنوان یک حلقه ارتباطی شاخص در این عرصه به ایفای نقش می‌پردازد. بالاخانه‌ای که بر روی هشتی ورودی واقع شده است، به خوبی از جلوخان پیدا بوده و توجه را به سمت ورودی بنا جلب می‌نماید. این اتاق به عنوان محل ملاقات‌های کاری صاحب‌خانه و انعقاد قراردادهای تجاری مطرح بوده است (ت5). نمونه دیگر از این دسته، جلوخان خانه صولت ابرکوه می‌باشد که با اختصاص عرصه وسیعی از گذر به خود، حریم خانه‌ای شاخص را در دل بافت تعریف می‌نماید و پاسخگوی

تعدادی دکان نیز می‌باشد و بدین گونه آمیزش بیشتری با محیط عمومی اطراف می‌یابد.

بنابراین جلوخان‌های خانه‌ها در مقیاس و اندازه‌های مختلفی به ایفای نقش می‌پردازند. اندازه و بزرگی جلوخان‌ها ارتباط تنگاتنگی با جایگاه و اهمیت خانه دارد. جلوخان یک خانه شاخص و بزرگ متعلق به افراد سرشناس و حاکمان شهر یا روستا، متناسب با رفتارهایی است که در آن صورت می‌پذیرد. با در نظر گرفتن میزان مخاطبان، تنوع مراجعین و رفتارهای گوناگونی که در آن صورت می‌گیرد، جلوخان نیز جایگاه متفاوتی می‌یابد. حال آنکه جلوخان خانه‌ای ساده در دل یک محله متناسب با میزان اهمیت و کارکرد بنا، در مقیاس کوچک‌تری ساخته می‌شود.

معرفی اجزای جلوخان

جلوخان‌ها در بناهای مسکونی با توجه به نقشی که بر عهده دارند، اجزای مختلفی را شامل می‌شوند؛ آن‌ها را می‌توان در دو دسته کلی اجزای ملحق به بنا و اجزای مربوط به میدان جلوخان تقسیم بندی نمود. ممکن است برخی از محققین تعدادی از این اجزا را به صورتی مستقل در ورودی بنا مورد بحث قرار دهند، اما با توجه به اتصال و پیوستگی قوی آن‌ها با جلوخان، به نظر می‌رسد در اینجا قابل بحث باشند. اجزای ملحق به بنا عبارتند از درب، سردرب، پیش تاق و پیرنشین³؛ و اجزای مربوط به میدان شامل قسمتی از عرصه جلوی ورودی در بیرون (که در برخی از انواع سکونتگاه‌ها شامل عناصری مانند آب‌نما نیز هستند) می‌باشند.

1. **درب:** مهم‌ترین نقش آن کنترل ورود و خروج به خانه است و استفاده کنندگان پس از عبور از آن به اندرون خانه وارد و یا از آن خارج می‌شوند. ابعاد، تزئینات و تناسب آن با توجه به تناسبات ورودی که

خود با جایگاه و اهمیت خانه و ساکنین آن مرتبط است، تعیین می‌گردد.

2. **سردرب:** بخشی از دیوار بالای درب بنا، سردرب نام دارد. به ویژه در خانه‌های بزرگ این قسمت دارای تزئیناتی از قبیل آجرکاری، کاشی‌کاری، گچ‌کاری، مقرنس و یا انواع کاربردی می‌باشد.

3. **پیش تاق:** یکی از این اجزا که در گونه‌های مختلف آن مشاهده می‌شود، پیش تاق است که به صورت فضایی سرپوشیده و نیمه باز در جلوی درگاه ورودی می‌باشد. به عبارتی یک بخش پیوسته به ساختمان در قسمت بیرونی است که یک فضای سرپوشیده برای درگاه ایجاد می‌کند. به فراخور کارکرد بنا، ابعاد و تزئینات پیش تاق نیز تغییر می‌یابد. هرچه خانه شاخص‌تر و جلوخان آن وسیع‌تر، به تناسب، ابعاد این پیش تاق نیز بزرگ‌تر شده و تزئینات بیشتری را شامل می‌گردد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد گاهی به پیش تاق، جلوخان نیز گفته می‌شده است.

4. **پیرنشین:** یکی دیگر از اجزای جلوخان، پیرنشین می‌باشد. از بررسی نمونه‌ها در سه دسته یاد شده می‌توان نتیجه گرفت در غالب جلوخان‌ها شاهد حضور پیرنشین هستیم. پیرنشین به صورت سکویی با ارتفاع مناسب جهت نشستن در فضای بیرون بنا و مرز بین داخل و خارج می‌باشد. این سکوها عموماً به صورت زوج و در دو طرف در ورودی است. گاهی در برخی نمونه‌ها تعداد بیشتری پیرنشین نیز مشاهده شده است مانند خانه بروجردی‌های کاشان که دارای شش سکوی پیرنشین در ورودی خانه می‌باشد. گاه نیز برخی از نمونه‌های جلوخان‌ها فاقد پیرنشین می‌باشد، مانند خانه حاج علی آقا در رفسنجان و یا خانه دهش در اصفهان. در برخی شهرها به پیرنشین، خواجه نشین (سلطان‌زاده 1390، 94) و یا پاخوره (پیرنیا، 1389، 143) نیز می‌گویند. همان‌طور که

از نام آن برمی آید جهت نشستن عموماً کهنسالان و رفع خستگی است. علاوه بر آن نقش های گوناگونی بر عهده دارد. در جلوخان ها با بهره گیری از پیرنشین مکانی مناسب برای استراحت رهگذران برای دقایقی هرچند کوتاه، درک بهتر بنا، جایگاهی شایسته برای مخاطب، مکانی برای مکث و تأمل و بستری مناسب جهت تعامل مراجعین و مخاطبین فراهم می شود (ت7). گاهی نیز از پیرنشین جهت سوارشدن بر چهارپایان بهره می بردند (پیرنیا، 1389، 143). پیرنشین ها نقش بسزایی در ساماندهی رفتارها در فضای جلوخان ایفا می نماید. پیرنشین نیز متناسب با ابعاد جلوخان و گسترش کارکرد و اهمیت آن گسترش می یابد و فضای وسیع تری را به خود اختصاص می دهد.



ت 7. پیرنشین خانه ای در روستای ایبانه،
مأخذ: نگارنده، 1390

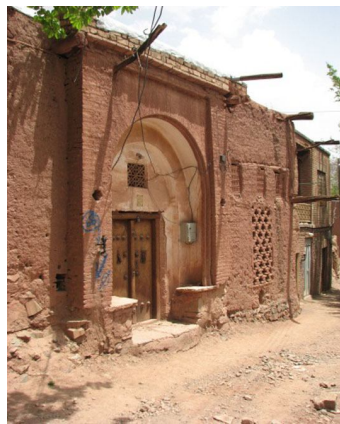
5. قسمتی از عرصه کف در بیرون ورودی: با توجه به گسترش عرصه جلوخان ها به ویژه دسته سوم و گاهی دسته دوم، قسمتی از گذر با عرصه جلوخان تداخل یافته و به عنوان یک مفصل به تعریف ارتباط بین درون و بیرون کمک می نماید. با توجه به قرارگیری آن در منطقه نفوذ جلوخان می توان آن را قسمتی از جلوخان محسوب نمود. این موضوع در تلاقی جلوخان با گذر، (برای نمونه

در جلوخان خانه حاج آقا علی در رفسنجان و یا جلوخان خانه عطاءالملک دهش در اصفهان درت 5 و 6) به وضوح قابل مشاهده است. در برخی بناها در این عرصه شاهد حضور عنصر آب نما می باشیم که علاوه بر نقش به سزایی که در زیبایی جلوخان دارد، باعث تلطیف فضا می گردد و مخاطبان بنا را آماده حضور در آن می نماید. شاید بتوان حضور آن را به جایگاه و اهمیت نقش آب در معماری ایرانی مرتبط دانست. آب در فرهنگ ایرانی از منزلت ویژه ای برخوردار است و نمودهای زیبایی در معماری یافته است. نمونه زیبایی حضور آب در جلوخان ها در سکونتگاه های تفریحی مانند باغ ها مشاهده می شود، برای نمونه می توان به ورودی باغ شاهزاده ماهان اشاره نمود⁴.

رسالت و نقش جلوخان در معماری مسکونی بومی ایران

از نگاهی می توان فضاها را به دو دسته فضای عبور و فضای حضور دسته بندی نمود. فضای عبور، فضایی است که برای عبور و حرکت در نظر گرفته شده است و فضای حضور برای حاضر شدن، دقت در بار مفهومی آن تبیین کننده خوبی برای آنان است. گرچه مرز بین این دو دسته را نمی توان به طور واضح و آشکار تعیین نمود و ممکن است برخی فضاها در عین عبوری بودن، فضای حضور نیز باشند؛ مانند پل خواجه یا چهارباغ و یا بر عکس. جلوخان در عین واقع شدن در فضای عبوری و در گذرها نهایت تلاش خود را می نماید تا فضایی با کیفیت جهت حضور و مهیا شدن جهت ورود به اندرون خانه فراهم نماید. جلوخان علاوه بر نقشی که در ساماندهی تعاملات اجتماعی در فضای بیرون خانه ایفا می کند، فضای حرکتی را به مکانی برای مکث و تأمل تبدیل می نماید. مخاطب این امکان را دارد تا با حضور در آن مکان به درک بهتر محیط بیرون و به خصوص بنا

نماید، به قسمی که این فضا در امتداد گذر نباشد و از آن به «گذار ورودی» نام می‌برد (الکساندر، ۱۳۸۱، ۲۲۸). جلوخان چنین نقشی ایفا می‌نماید؛ بدین ترتیب جلوخان مجالی بین اندرون و بیرون و مهملی برای مهیا شدن جان در ورود به اندرون فراهم می‌نماید و به تنظیم ارتباط درون و بیرون از طرق مختلف می‌پردازد که در سه بخش زیر قابل طرح می‌باشد:



ت 8. جلوخان خانه‌ای در ایبانه.

مأخذ: نگارنده، 1390

تعیین حریم: تعریف و تبیین حریم به‌عنوان یک ارزش در فرهنگ بومی ایرانی آشکارا هویدا است. در تعالیم اسلامی تأکید ویژه‌ای بر حفظ حرمت و تبیین حریم شده است و در معماری بومی ایران، چه شهری و چه روستایی، بنا به اقتضا، حریم خانه به خوبی تعریف گردیده است. خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «ای اهل ایمان هرگز به هیچ خانه‌ای جز خانه خودتان تا اینکه با عملی ورود خود را اعلام کنید، وارد نشوید و به اهل خانه سلام کنید. این برای شما بهتر است امید است که متذکر شوید» (سوره مبارکه نور، 26). محققین حفظ حریم درون و بیرون را یکی از ویژگی‌های معماری اسلامی - ایرانی برشمرده‌اند (پیرنیا، 1383، 35-36). جلوخان در عین جدا کردن فضای داخل خانه از بیرون و تعیین حریم آن، آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد و حس

بپردازد. می‌توان گفت جلوخان سعی در فراهم نمودن بستری در شأن مخاطبان دارد و به تبیین نقش آن‌ها می‌پردازد؛ چرا که جایگاه و نقش مخاطب را در بیرون بنا تعریف می‌نماید و با احترام به مخاطب، بستری مناسب جهت مکث، تأمل، ورود، مشاهده و ملاقات دیگران فراهم می‌نماید. عناصری مانند پیرنشین نیز با بستر سازی به این امر کمک می‌نمایند. فلامکی در تعریف جلوخان می‌نویسد: «پیش از اینکه پیمودن مسیر درونی فضای معماری آغاز شود، به‌ویژه در آن گونه‌هایی که مکان جمعی و خاص اموری‌اند معنوی و الهی، در معماری ایران فصلی وجود دارد پیش درآمد بر آنچه درون، دیده خواهد شد ورودی به مساجد و به کاروانسراها و به گرمابه‌های همگانی، همانند فضای معماری معمولاً متقارن و پناه دهنده‌ای که در حد فاصل در ورودی خانه و کوچه و گذر با تناسباتی پذیرنده که ساختنش تا چند دهه پیش در ایران متداول بود، به‌عنوان مفصلی که فضای درونی واحدهای معماری - شهری را به فضای برونی آن‌ها و یا بالعکس مرتبط می‌کند، یکی از ویژگی‌های اصیل معماری سرزمین ماست.» (فلامکی، ۱۳۸۵، ۳۶۳) از جنبه‌های مختلف می‌توان به بررسی جایگاه و نقش جلوخان پرداخت. قسمتی از آن مربوط به نقش جلوخان است و جنبه‌ای از آن به ارتباط آن با دیگر اجزا می‌پردازد.

1. ارتباط درون و بیرون: یکی از مهم‌ترین رسالت‌های جلوخان تعریف رابطه درون و بیرون است که با تعریف فضایی بین گذر و در ورود به خانه به این امر کمک می‌نماید (ت 8). به واقع ذهن مخاطب در فضای بیرون و قبل از ورود به بنا، چهارچوبی عمومی دارد و شاید آمادگی لازم برای ورود به خلوت و حریم اندرون را نداشته باشد. به نظر الکساندر بیرون آمدن از این حجاب، زمانی ممکن است عملی شود که فرد از فضایی با تأثیرات حسی متفاوت در میان گذر و در ورودی عبور

پیوستگی درون و بیرون را در یک سلسله مراتب فضایی در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. به عبارتی جلوخان در عین تفکیک نمودن حریم بیرون و اندرون، عامل پیوند فضای داخل و خارج نیز هست و کارکردی نیمه عمومی - خصوصی دارد. از یک سو قسمتی از فضای ورودی به خانه است و بخشی از فضای داخل به حساب می‌آید و از جنبه‌ای دیگر قسمتی از فضای عرصه عمومی می‌باشد که پاسخگوی رفتارها در فضای شهر و روستا است. جلوخان در اینجا رسالت خود را در تفکیک عرصه خصوصی خانه از عرصه عمومی با تعیین حریم و اضافه نمودن فضایی میانی به خوبی ایفا می‌نماید. با تعریف مفصلی جهت دسترسی به بنا به تفکیک فضای عبور و فضای دسترسی می‌پردازد و با تقویت حریم از ورود بی واسطه به اندرون جلوگیری می‌کند. جلوخان به عنوان الگویی⁵ مشخص و معین و شناخته شده در معماری بومی و سنتی ایران مطرح است. به عبارتی ارتباط خانه با گذر و محله از این طریق صورت می‌گرفته است. فضایی خالی در مرز بین درون و بیرون، جایی که نه به طور کامل متعلق به خانه است و نه کاملاً در اختیار عرصه عمومی و بیرون است و بدین گونه ارزش فضاهای میانی بیش از پیش نمایان می‌شود (9).



ت 9. جلوخان خانه‌ای در روستای قهی.
مأخذ: نگارنده، 1390

دعوت کنندگی: جلوخان، به خواندن و دعوت کردن مخاطبان به حریم درون خانه در فضای جلوی آن می‌پردازد. سعی می‌کند با فراهم آوردن بستری مناسب برای این منظور، نقش خود را در سلسله مراتب ورودی بنا به خوبی تعریف کند. جلوخان به صورت مرز بین درون و بیرون، اولین مواجهه عابران و ناظران و استفاده کنندگان با بنا است؛ اولین قسمتی از خانه است که به استقبال مراجعین می‌آید و از جنبه‌ای دیگر آخرین جزو خانه است که به بدرقه خارج شدگان از آن می‌پردازد. با توجه به اهمیت آغاز و یا پایان، میزان توجه طراحان به این فضا در معماری بومی ایرانی نمایان‌تر می‌شود.⁶

با تحلیل نمونه‌های مختلف بررسی شده درمی‌یابیم فرم نعلی شکل و یا "U" برای جلوخان عمومیت دارد. این فرم که به صورت‌های مختلفی مانند مربع، مستطیل، نیم دایره، نیم بیضی و یا نیم هشت و در اندازه‌های مختلف متجلی گردیده است، دعوت‌کنندگی خوبی به سمت داخل در ذهن مخاطب ایجاد می‌نماید. می‌توان این تعبیر را از آن داشت که بنا در ابتدای ورودی دست‌های خود را به سمت مراجعان و ناظران باز کرده و با آغوش باز آن‌ها را به سمت خود می‌خواند (ت 10).



ت 10. جلوخان خانه‌ای در روستای قهی.
مأخذ: نگارنده، 1390

گاهی ایوان و ساباط، همان طور که مشاهده می‌شود، شروع و آغاز با جلوخان است. اردلان و بختیار در کتاب حس وحدت بیان می‌دارند: «همبندی یک فضا با فضاهای دیگر به‌طور اجتناب ناپذیری از الگوی اتصال، انتقال و وصول پیروی می‌کند و این الگو از طریق قوانین تمثیل با طبیعت به هماهنگی می‌رسد.» (اردلان - بختیار، 1380، 16) در این الگو جلوخان نقش و رسالت خود را در اتصال اندرون بنا به فضای بیرون به‌خوبی ایفا می‌نماید. دیگر اجزای ورودی مانند هشتی و راهرو در انتقال ایفای نقش می‌نمایند تا به فضای اندرون وصول حاصل آید. جلوخان به‌عنوان اولین بخش از سلسله مراتب ورودی خانه با گسترده شدن در سطح و در اختیار گرفتن عرصه‌ای نسبتاً وسیع باعث تعریف بهتر ورودی خصوصاً در بیرون خانه می‌گردد. گسترش آن شخصیت بارزتری به جلوخان می‌دهد و نقش به‌سزایی در دعوت مخاطبین به داخل ایفا می‌نماید.⁷

بستری جهت درک بهتر بنا: عموماً در معماری سنتی به‌ویژه اقلیم گرم و خشک ایران، سردرب، مزین‌ترین قسمت از نمای خارجی بنا است (سلطان زاده، ۹۵، ۱۳۹۰). با توجه به گسترش جلوخان در جلوی ورودی، این امکان فراهم می‌شود تا تزیینات، تناسبات و جزئیات ورودی و سردر آن بهتر کامل‌تر درک شود. برای نمونه در عبور از بافتی متراکم در شهر رفسنجان در گذرهایی تنگ و باریک با دیوارهایی از خشت و گل با جلوخان خانه حاج علی آقا مواجه می‌شویم. تغییر در نور، سطح و گشادگی این فضا، بهترین عامل برای جلب توجه عابرینی است که شاید توجهی به بنا نداشته باشند. در این شرایط مکث، تأمل و مشاهده بنا تقریباً اجتناب ناپذیر است. نمونه دیگر قابل تأمل، جلوخان ساده خانه‌های واقع در دل بافت مانند خانه رسولیان در بافت به هم پیچیده و متراکم یزد می‌باشد. بدین صورت جلوخان به

از نکات قابل تأمل در جلوخان تناسبات آن خصوصاً در پلان می‌باشد. نسبت بین عرض و عمق جلوخان در میزان دعوت‌کنندگی به داخل عاملی تعیین‌کننده است. در صورتی که عرض جلوخان بیشتر از عمق آن باشد، دعوت‌کنندگی مخاطبان به داخل زیاد است. برعکس در صورتی که عمق جلوخان بیشتر از عرض آن گردد، بسته به افزایش نسبت عمق به عرض از دعوت‌کنندگی کاسته می‌شود. با بررسی نمونه‌ها مشاهده می‌شود جلوخان‌ها عموماً نسبت عرض به عمق بیشتر است. این تناسبات همچنین باعث مشاهده و درک بهتر سر در ورودی بنا، بازی نور و سایه زیباتر و مطرح شدن بهتر آن در عرصه عمومی می‌گردد.

تقویت سلسله مراتب ورود به بنا: سلسله مراتب یا ساماندهی و سازماندهی فضاها و اجزای کالبدی ورودی خانه در معماری ایرانی، آشکارا قابل مشاهده است. به نظر فلامکی سلسله مراتب ورود و یا «تعیین‌های مسیر در فضای معماری» یکی از ویژگی‌های معماری ایرانی است که دارای قدر و منزلت ویژه‌ای می‌باشد و در میان بناهای گوناگونی که ایرانیان در زیستگاه‌های بزرگ و میانی و روستاهای خود در طول ده - یازده سده اخیر و تا پیش از نفوذ گسترده معماری غرب ساخته‌اند و شواهدی از آن تا به امروز موجودند ساختمانی را بدون رعایت و احترام به سلسله مراتب ورود نمی‌توان یافت و این ترتیب و تدرج نه صرفاً به خاطر جنبه‌های کارکردی بلکه به‌عنوان وسیله‌ای برای تضمین بهره‌وری معنوی و آماده‌سازی ذهنی مخاطب است (فلامکی، ۱۳۸۵، ۳۶۳-۳۶۲). هر جز در این زنجیر، نقشی بر عهده دارد و مجموعه فعالیت‌هایی نظیر تغییر مسیر، مکث، انتظار، حرکت، تصمیم‌گیری و انتخاب، تقسیم، ورود، درک محیط و بنا را شامل می‌شوند. در کامل‌ترین اجزای ورودی به ترتیب می‌توان این فضاها را برشمرد: جلوخان، هشتی، راهرو و

ایفای نقش در درک بصری بهتر بنا می‌پردازد. برای ادراک بهتر و با توجه به تناسبات بنا، می‌بایست فاصله‌ای درخور جهت مشاهده پیش بینی شود. با توجه به پهنای گذر که برای عبور در نظر گرفته شده است، جلوخان با ایجاد پهنای گسترده‌تر، عرصه‌ای مناسب برای درک بنا را فراهم می‌کند. همچنین با تغییری که در عرض گذر و گاهی کفسازی و بازی نور ایجاد می‌شود توجه عابر را به بنا جلب می‌نماید. بدین معنا یکی دیگر از کارکردهای جلوخان فراهم نمودن زمینه‌ای برای توجه به بنا و درک بهتر آن است. گویی آمیزش و کششی متقابل تحقق می‌یابد تا ذهن برای وارد شدن از عرصه‌ای عمومی به عرصه‌ای خصوصی از این نقطه آماده شود و این اندیشه در معماری ایرانی همواره با تاکید، تدوین یافته است (فلامکی، ۱۳۸۵، ۳۶۳). وجود این‌گونه فضاها باعث می‌شود محله و شهر از یکنواختی کامل در نگاه اول خارج شود و عابر با مجموعه‌ای گوناگون و پرجاذبه مواجه شود به طوری که در منظر اول همه چیز پایان نمی‌پذیرد (نقره کار، ۱۳۸۷، ۵۳۵). این عوامل نقش به‌سزایی در درک بهتر بنا خواه توسط استفاده‌کنندگان آن و خواه ناظرین و رهگذران ایفا می‌نمایند.

ایجاد فضایی برای تعامل اجتماعی: جلوخان در جنبه‌های دیگری نیز به ایفای نقش می‌پردازد. در عرصه اجتماعی، شاهد ارتباط مردم در این فضا هستیم. قسمتی از بنا که مالک سخاوتمندانه از حریم درون بنا خارج نموده و بستری مناسب جهت تعامل اجتماعی در بیرون ایجاد کرده است. به نظر فلامکی انسان نیازمند فضایی است تا در آن خود را با دیگران بیابد و اجتماعی بودن خود را بیازماید و به نمایش بگذارد و از آن بنا بر هر گرایش و خواسته‌ای که پی گرفته است، بهره‌مند شود. (فلامکی، ۱۳۸۵، ۷۲) به نظر او گویی انسان‌ها همیشه به فضایی همگانی و باز برای عنوان کردن نیازهای فردی و

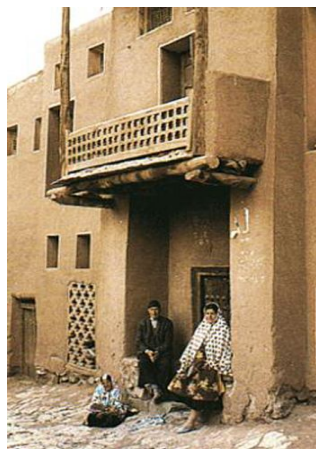
اجتماعی خود نیاز داشته‌اند تا در آن اندیشه‌ها، هنرها و فرهنگ خود را در جمع بیازمایند و به داد و ستد فرآورده‌های خود با دیگران بپردازند (فلامکی، ۱۳۸۵، ۷۸). در جلوخان به‌عنوان عرصه‌ای عمومی در جلوی خانه، این امکان و قالب مکانی فراهم است تا ساکنین خانه با همسایگان، مردم محل و یا مراجعین خانه به مرآوده و تعامل بپردازند؛ همچنین جلوخان می‌تواند فرصت و مجال شکل‌گیری روابط اجتماعی مردم با یکدیگر را مهیا نماید. در این مکان (به‌ویژه در روستاها)، امکان^۸ شکل‌گیری رفتارهایی که نیازمند به همکاری بین همسایگان بوده فراهم می‌شد. برای نمونه می‌توان به فعالیت‌هایی که زنان به‌صورت جمعی و اشتراکی انجام می‌داده‌اند مانند بافندگی و یا دیگر صنایع دستی اشاره نمود. گاهی اوقات دامنه این گونه فعالیت‌ها به هشتی که نسبت به جلوخان فضایی خصوصی‌تر می‌باشد، نیز کشیده می‌شده است.

علاوه بر آن در جلوخان خانه‌ها این امکان فراهم است تا نسل‌های مختلف از کودکان گرفته تا سالخوردگان به تعامل با یکدیگر بپردازند. در این مکان این قابلیت فراهم می‌باشد تا مرآوده چهره به چهره و رودرروی اهالی و ارتباط آن‌ها با زندگی جاری در بیرون خانه‌ها صورت پذیرد. سالخوردگان محل می‌توانند ضمن ارتباط با دیگران، از هم صحبتی با هم لذت ببرند و به تماشای فعالیت دیگران مشغول گردند. با توجه به اینکه خانه‌های بافت مسکونی شهرها و روستاها درون گرا می‌باشند، بدین وسیله بهانه‌ای جهت تعامل با دیگران در مرز بین درون و برون مهیا می‌گردد (ت ۱۱).

جلوخان می‌تواند بستری جهت شکل‌گیری روابط اجتماعی برای سه دسته از مردم فراهم نماید:

الف) باشندگان^۹ بنا: ساکنان خانه این امکان را دارند تا با حضور در جلوخان ضمن حضور در عرصه بیرون به

نمود. علاوه بر آن حضور و تعامل زنان همسایه در جلوخان‌ها نیز نمونه‌ای دیگر از این گونه تعامل است (ت 12).



ت 12. تعامل همسایگان در جلوخان خانه‌ای در روستای ایبانه.
مأخذ: نگارنده، 1390

پ) رهگذران: علاوه بر این جلوخان‌ها این قابلیت فراهم است تا رهگذران و غریبه‌ها نیز به دلیل خستگی یا ملاقات با صاحب‌خانه و یا هر دلیل دیگری لحظاتی هرچند کوتاه تأمل و مکث نمایند و بدین ترتیب قابلیت شکل‌گیری تعامل اجتماعی بین آن‌ها با دیگران بدون تداخل با دیگر رفتارها و رویدادها به صورت آزادانه فراهم می‌گردد. در این مکان غریبه‌ها و رهگذران می‌توانند آزادانه به تعامل با دیگران بپردازند، لحظاتی به استراحت مشغول شوند و...

نکته‌ای که در اینجا می‌بایست به آن اشاره نمود جایگاه جلوخان‌ها در یک همسایگی می‌باشد. در معماری کنونی بسیار شاهد آن می‌باشیم که باوجود قرارگیری خانه‌ها در کنار یکدیگر و اطلاق واژه همسایه به آن‌ها، امکان شکل‌گیری ارتباط بین آن‌ها به خوبی طراحی نشده است. لکن در معماری بومی شهری یا روستایی، محل قرارگیری جلوخان خانه‌ها نسبت به هم

تعامل با دیگران بپردازند. «همه انسان‌ها نوعی گرایش به هردو حریم خصوصی و اجتماعی دارند، یک حریم خصوصی و دلچسب به علاوه نوعی ارتباط با محیط اجتماعی بیرون» (الکساندر، 1388، 333). در صورتی که واحدهای مسکونی به‌طور کامل به زندگی جاری در گذر و فضای عمومی پشت کنند و با آن در ارتباط مناسب نباشند، به این نیاز پاسخ مناسبی داده نشده است. به عبارتی اگر باشندگان نتوانند به راحتی ارتباط مناسبی با فضای بیرون خانه، رهگذران و رویدادهای اجتماعی پیدا کنند، القای اینکه ساختمان و دنیای بزرگ‌تر بیرون به هم متصل‌اند و با هم گره خورده‌اند وجود ندارد. «به سادگی ما معتقدیم هر ساختمان حداقل به یک و در صورت امکان به چند فضا برای افرادی که هنوز در داخل ساختمان هستند، نیازمند است تا حس ناشی از با دیگران بودن و ارتباط با دنیای خارج را منتقل کند.» (الکساندر، 1388، 385).



ت 11. تعامل مردم در جلوخان خانه‌ای در روستای ایبانه.
مأخذ: نگارنده، 1390

ب) همسایگان: در جلوخان خانه‌ها، این امکان فراهم می‌باشد تا همسایگان به تعامل با یکدیگر بپردازند. برای نمونه می‌توان به تعامل کهنسالان با کودکان و تماشای بازی آن‌ها و یا مرادده آنان با دیگر سالخوردگان اشاره

در همسایگی، از پیش اندیشیده و تعیین می‌شده است؛ گاهی جلوخان‌ها روبه‌روی هم قرار می‌گیرند، گاهی در فضایی گرد هم جمع می‌شوند و گاهی نیز در یک دربند به تعامل با هم می‌پردازند. برای نمونه می‌توان به قرارگیری چهار جلوخان در کنار هم در مجاورت جلوخان خانه رسولیان یزد اشاره نمود که با یکدیگر تشکیل یک مجموعه و یا جلوخان جمعی و به عبارت کامل‌تر همسایگی را داده‌اند. بدین گونه محل قرارگیری جلوخان خانه‌ها جهت شکل دادن به همسایگی در طرحی از پیش اندیشیده شده، تعیین می‌گردیده است؛ چرا که این امکان به راحتی مهیا بوده است تا جلوخان این چهار خانه در مکان دیگری و بدون تعامل و مجاورت با یکدیگر شکل گیرند. با دقت در بافت شهری و روستایی نمونه‌های متعددی از این قبیل مشاهده می‌شوند؛ نمونه‌هایی مانند جلوخان‌های خانه‌های مجاور خانه ملک التجار یزد و یا مثال‌های متعددی از جلوخان‌های خانه‌های روستاهای ابیان، قهی و... بدین ترتیب می‌توان بیان داشت جلوخان‌ها عنصر هویت دهنده به معابر می‌باشند و رابطه جلوخان‌ها با هم از قبیل دوری، نزدیکی و یا امکان تعامل با یکدیگر، معبر را از نقش صرفاً عبوری، خارج و به مکان‌هایی برای مکث و تأمل تبدیل می‌نماید. محل قرارگیری جلوخان‌ها نسبت به هم، نقش هر یک را تقویت نموده و مکانی جهت تعامل واحدهای مسکونی با هم مهیا می‌کند و همسایگی را تعریف و تقویت می‌نماید. به عبارتی با توجه به اینکه جلوخان‌ها نماینده همسایگی در گذر می‌باشند، رابطه جلوخان‌ها در یک معبر دارای پیام می‌باشد.

جمع بندی

جلوخان به‌عنوان یک آغاز، فضایی ارتباطی در ابتدای سلسله مراتب ورودی برخی خانه‌هاست و به‌عنوان یک

مفصل، مرز بین داخل و خارج را تعریف می‌نماید. جلوخان فضایی ساده است؛ لکن در عین حال از مفاهیم عمیقی در درون خود بهره‌مند است و بسته به بنا و شرایط کارکردی - محیطی آن در ابعاد و شکل‌های مختلف مطرح می‌گردد. می‌توان آن‌ها را بر اساس وسعت، شکل، مقیاس متنوع حضور در خانه‌های بومی و ایفای نقش در زمینه تعاملات اجتماعی، در سه دسته کلی تقسیم بندی نمود. جلوخان‌ها از اجزای مختلفی تشکیل شده‌اند؛ دسته‌ای از آن‌ها از اجزای ملحق به بنا می‌باشند و دسته‌ای دیگر اجزای مربوط به میدان جلوخان‌ها هستند. برخی از اجزای جلوخان‌ها در تمام دسته‌ها به‌صورت مشترک حضور دارند و برخی دیگر در نمونه‌های اندکی به ایفای نقش می‌پردازند. جلوخان‌ها در زمینه‌های مختلفی رسالت خود را به انجام می‌رسانند و می‌توان آن‌ها را در زمینه‌های کلی رفتاری، کالبدی و اجتماعی دسته بندی نمود. معمار هنرمند در معماری بومی ایرانی با توجه به سنت و فرهنگ رایج اهمیت ویژه‌ای برای حفظ حریم خانه قائل بوده است و به روش‌های گوناگون در راه تعریف و تبیین آن قدم برداشته است. رابطه درون و برون، یکی از دغدغه‌ها و ذهن مشغولی این هنرمندان بوده است که جلوخان در این زمینه، نقشی درخور ایفا می‌نماید. مهم‌ترین رسالت آن تعریف متناسب رابطه حریم اندرون با بیرون و عرصه عمومی و همچنین فراهم کردن آمادگی روانی بهره‌بردار برای ورود به اندرون است. موضوعی که با توجه به فرهنگ اسلامی - ایرانی، ژرف می‌باشد. علاوه بر آن جلوخان بستری مناسب برای درک بهتر بنا مهیا می‌نماید و همچنین زمینه‌ای برای شکل‌گیری تعامل اجتماعی بین مردم فراهم می‌کند.

عدم توجه به جلوخان در معماری و شهرسازی امروز ما و نادیده گرفتن آن به‌عنوان مفصل ارتباطی و

3. پیرنشین گاهی در دسته سوم جلوخان‌ها در اجزای مربوط به میدان نیز مشاهده می‌شود.

4. آب نما به صورت یک حوض کم عمق است. همان گونه که از نام آن مشخص است منظور آرایه نمایی از آب بوده است. آب نما عموماً در جلوخانهای با عرصه وسیع که ورودی بناهای بزرگ و با اهمیت را تعریف می‌کنند ساخته می‌شده است. با بررسی نمونه‌ها مشاهده می‌شود که آب نما در محور اصلی ورودی در جلوخان بناها قرار گرفته است و به گونه‌ای حرکت مستقیم به سمت در ورودی را ناممکن می‌سازد. بهره برداران از بنا می‌بایست برای وارد شدن مسیر مستقیم خود را تغییر دهند و دو مرتبه پس از عبور از کنار آب نما، به محورها اصلی باز گردند. به نظر می‌رسد این امر، حواس مخاطب را به محیط بیشتر جلب می‌نماید. الکساندر معتقد است تغییر جهت در ورودی و در هنگام وارد شدن به بنا می‌تواند از مشخصات یک ورودی خوب باشد (الکساندر، ۲۲۸، ۱۳۸۱). شاید بتوان ادعا کرد ورود به بنا از محور مستقیم در معماری ایرانی چندان مطلوب و مورد نظر نبوده است (سلطان زاده، ۲۲۲، ۱۳۹۰). آب نما در جلوخان مساجد علاوه بر تلطیف فضا و ایجاد آرامش روانی برای ورود به مسجد می‌تواند برای اموری مانند وضو گرفتن نیز مورد بهره برداری قرار گیرد. حضور آب نما در میدانگاه برخی از جلوخان‌ها به صورت خاص و عمده از ویژگیهای مهم برخی از بناهای بزرگ ایرانی به حساب می‌آید (سلطان زاده، ۸، ۱۳۹۰). این عنصر عموماً در جلوخان بناهای بزرگ و با اهمیت مانند مساجد جامع در معماری ایران مشاهده می‌شود. برای نمونه می‌توان به مسجد جامع عباسی (مسجد امام اصفهان) و یا مسجد جامع یزد اشاره نمود.

5. Pattern

6. همانطور که از نام جلوخان بر می‌آید تأکید بر آغاز است نه پایان؛ به عبارتی اهمیت و اولویت با مفهوم ورود می‌باشد نه خروج.

7. واحدهای معماری - شهری از اولین لحظه دربرگرفتن شخص، از نقطه ورودی به بعد، حین حفاظت و هدایت وی به نقاط داخلی تر و به قلب بنا، حس آشنایی نسبی و قبلی با آن را به خاطر آمادگی در پذیرفتن فضا و تعلق یافتن به بنا، در وی به وجود می‌آورد و به تدریج تقویت می‌کند. مسیری که پس از ورود به مجموعه‌های قدیمی ایران به فرد عرضه می‌شود راهی است که از پیش بررسی و تنظیم شده است و پیمودن آن به وجود آورنده

فضایی واسط بین اندرون و بیرون در طراحی خانه‌ها و محلات مسکونی شهرها معضلات متعددی را باعث شده است. حذف و یا کم رنگ شدن نقش این عنصر معماری، ترتیب و تدرج وصول به خانه را که یکی از ویژگی‌های مهم معماری ایرانی است مخدوش نموده است. متأسفانه امروزه با رخت پرستن این عنصر کارا از معماری مسکونی ما، خلأ رسالت‌های متعدد آن پر نگردیده و خود نوعی آشفتگی، سردرگمی و ناخوانایی در معماری محلات مسکونی را موجب گردیده است. حال آنکه جلوخان در معماری بافت‌های مسکونی شهرها و روستاهای ما به عنوان فضایی که هم آغاز است و هم پایان، هم عامل اتصال است و هم عامل انفصال، هم همگانی و عمومی است و هم اختصاصی، هم متعلق به خانه و هم متعلق به گذر است. به نظر می‌رسد می‌توان با شناخت و تحلیل صحیح و همه جانبه عناصری مانند جلوخان‌ها از معماری مسکونی بومی و سنتی کشورمان و بهره‌برداری درخور از آن، گامی در جهت بهبود و ارتقای کیفیت معماری مسکونی کنونی این مرز و بوم برداشت.

پی‌نوشت

1. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به مقاله زیر مراجعه نمایید: نوایی، کامبیز. (1377)، مسجد تمثال انسان کامل، نشریه صفه، شماره 26.
2. ولی در کل می‌توان چنین بیان نمود که تزیینات در جلوخان‌های بناهای مسکونی در هر سه دسته به نسبت جلوخان گونه‌های دیگر بنا مانند مسجد، مدرسه و بازار، مختصرتر و ساده‌تر بوده و از هماهنگی بیشتری با بافت پیرامون خود برخوردار می‌باشند. جلوخان بناهای عمومی یاد شده با توجه به نقش و کارکرد خود، از تزیینات غنی‌تر و شاخص‌تری بهره‌مند هستند. تزییناتی از قبیل کاشی‌کاری، مقرنس‌کاری و ... حال آن که در جلوخان خانه‌ها تزیینات عموماً به صورت آرایه‌های گچی یا آجری می‌باشند.

- نقره کار، عبدالحمید. (1387)، درآمدی بر هویت در معماری و شهرسازی، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.

- Asquith, Lindsay ; Vellinga, marcel.(2006) , Vernacular Architecture in the Twenty-First Century, Taylor& Francis group.

رفتار محیطی خاصی خواهد بود که در رابطه با آداب و ارزشهای اجتماعی - فرهنگی، تا حدودی، از طرف طراح فضای کالبدی، پیش بینی شده‌اند. (فلامکی، ۵۶، ۱۳۸۰ و ۵۵)

8. Potential

9. این اصطلاح برگرفته از کتاب سیری در مبانی نظری معماری غلامحسین معماریان می‌باشد.

منابع

- آلباگونولو، آدریانو؛ فلامکی، محمد منصور؛ [و دیگران]. (1384)، معماری بومی، نشر فضا، تهران.
- اردلان، نادر؛ بختیار، لاله. (1380)، حس وحدت، ترجمه حمید شاهرخ، نشر خاک، اصفهان.
- الکساندر، کریستوفر. (1381)، معماری و راز جاودانگی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- پیرنیا، محمد کریم. (1383)، سبک شناسی معماری ایرانی، نشر معمار، تهران.
- پیرنیا، محمد کریم. (1389)، معماری ایرانی، نشر سروش دانش، تهران، چاپ دوم.
- حاجی قاسمی، کامبیز. (1375)، گنج نامه، چاپ محمد و چاپ نشر شاد رنگ، تهران.
- سلطان زاده، حسین. (1390)، فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، چاپ سوم.
- عمید، حسن. (1342)، فرهنگ عمید، ناشر کتابخانه سینا، تهران.
- فتحی، هوشنگ. (1376)، مجموعه تصویری خورشید ایران، چاپ سحاب، چاپ اول.
- فلامکی، محمد منصور. (1385)، شکل گیری معماری در تجارب ایران و غرب، نشر فضا، چاپ دوم.
- فلامکی، محمد منصور. (1380)، باززننده سازی بناها و شهرهای تاریخی، دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
- معماریان، غلامحسین. (1390)، سیری در مبانی نظری معماری، تهران، انتشارات سروش دانش، چاپ پنجم.
- معین، محمد. (1360)، فرهنگ فارسی، جلد اول، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ چهارم.